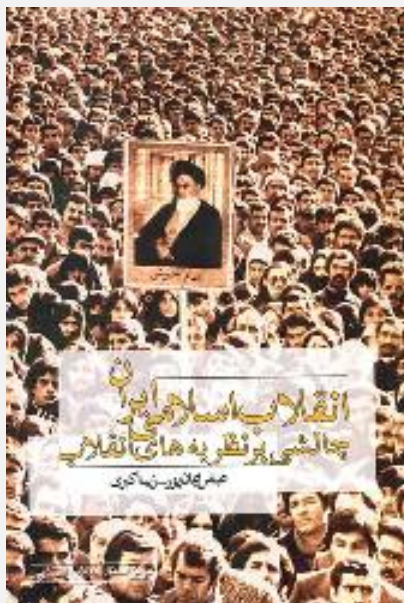


انقلاب اسلامی ایران چالشی بر نظریه های انقلاب



مهم‌ترین عامل در شکل‌گیری و تکوین انقلاب اسلامی ایران در سال 1357، اسلام سیاسی معاصر و رهبری امام خمینی بود. آنچه گفته شد فرضیه‌ی اصلی این پژوهش می‌باشد. تبیین و توضیح رویدادها و ناآرامی‌هایی که در سال‌های 1356-1357 / 1978-1979 در ایران رخ داد و به سرنگونی رژیم پادشاهی و استقرار جمهوری اسلامی منجر شد، یکی از مسائل مهم و مورد توجه نظریه‌پردازان و پژوهشگران علوم سیاسی در 27 سال گذشته بوده است.

انقلاب اسلامی ایران در شمار انقلاب‌های بزرگ جای می‌گیرد؛ چرا که هم در اساس حکومت و هم در ایدئولوژی غالب کشور دگرگونی عمده‌ای ایجاد کرد. در تحلیل انقلاب اسلامی رویکردهای مختلفی وجود دارد که بیانگر تأکید هر کدام از این رویکردها بر یک یا تعدادی از عوامل یا بر همه‌ی عوامل فرهنگی، جامعه‌شناختی، اقتصادی، روان‌شناختی و سیاسی در وقوع انقلاب اسلامی می‌باشد.

اصولاً نمی‌توان یک انقلاب بزرگ را با فرضیه‌های غیرعلمی تحلیل کرد لذا برای درک درست و بهتر پدیده‌ی انقلاب، نیازمند تأملات نظری در قالب تئوری‌ها می‌باشیم. رخداد انقلاب اسلامی فضایی برای آزمون نظریه‌های انقلاب و تأمل درباره‌ی پدیده‌ی انقلاب بود که برخی دیگر گردید. حال که بیش از یک ربع قرن از پیروزی انقلاب می‌گذرد، هنوز ابعاد ناشناخته‌ی بسیاری وجود دارد و روش‌شناسی متداول غرب نتوانسته همه‌ی زوایای آن را تحلیل کند.

هر یک از اندیشمندان و صاحب‌نظران به عامل یا عوامل متفاوت و متنوعی در تبیین پیروزی انقلاب اسلامی تأکید دارند، که این امر نشان از پیچیدگی و منحصر به فرد بودن انقلاب اسلامی دارد؛ اما هیچ‌کدام از این رهیافت‌ها تحلیل جامع و مانعی درباره‌ی انقلاب اسلامی به دست نمی‌دهند.

هدف پژوهش حاضر، بازخوانی تحلیل‌های موجود و ارائه‌ی تبیین جدید از انقلاب اسلامی است. این رویکرد علاوه بر صحت برخی از تحلیل‌های قبلی، عامل اصلی در پیروزی انقلاب اسلامی را اسلام سیاسی با رهبری امام خمینی می‌داند. این رهیافت، هم مدعی است و هم متواضع، از این جهت مدعی است که ادعا دارد در تبیین انقلاب اسلامی از یک رویکرد جدید و بدیع استفاده می‌کند و می‌تواند چالشی در برابر نظریه‌های موجود درباره‌ی انقلاب اسلامی ایجاد کند و متواضع از این جهت، که پژوهش هیچ ادعایی ندارد، در اثبات ادعای خود، تمام جوانب را در نظر بگیرد و یک تحلیل جامع و مانع از انقلاب اسلامی ارائه دهد.

برای بررسی و اثبات فرضیه، پژوهش حاضر در پنج فصل سازماندهی شده است: فصل اول به بررسی و تعریف واژه‌ی انقلاب، مفاهیم و ویژگی‌های آن پرداخته است. فصل دوم تئوری‌های موجود درباره‌ی پدیده‌ی انقلاب را از دید نظریه‌پردازانی که در این زمینه دست به تحلیل و تبیین عوامل وقوع انقلاب زده‌اند، ارائه کرده است. فصل سوم اختصاص به تئوری‌های موجود در رابطه با انقلاب اسلامی ایران دارد. فصل چهارم مروری است بر نظریه‌های رهبری که ما را به سوی نظریه‌ی رهبری واحد در انقلاب اسلامی رهنمون می‌سازد. نهایتاً در فصل پنجم نقد و تعدیلاتی در مورد رهیافت‌های مطرح شده در پژوهش انجام گرفته و نقش رهبری و اسلام سیاسی معاصر در شکل‌گیری و تکوین انقلاب اسلامی تبیین گردیده است.